

ضمانت اجرای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی در ایران (بررسی رویکرد قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

حمید تقی‌زاده^۱، علی چهکندی‌نژاد^۲، سید حسن هاشمی^۳

چکیده

جنبش پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظام کیفری ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. هر چند تمایل دو نظام قانون‌گذاری در پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی چشم‌گیر است، در شناسایی بعضی صورت‌های آن مانند مسئولیت کیفری دولت در غیر موارد تصدی‌گری (مصادیق حاکمیتی) به ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران، نه تنها توجهی به آن نشده است، بلکه با چالش‌های قانونی مواجه هستند و تثبیت آن نیازمند استدلال‌های فنی بسیاری است.

در پژوهش حاضر با ورود در نظام قانون‌گذاری، سیاست کیفری موجود (آن چه هست) و چرایی آن و نیز آن چه باید باشد، بررسی شده است. موضوع اصلی این پژوهش، بررسی ارزیابی نحوه انتساب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی و ضمانت اجرای مقرر در آن است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هنگام طرح مباحث مربوط به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان قانون مادر، مباحث بسیار مختصری به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اختصاص یافته است که بر ابهام‌های موجود می‌افزاید. در این پژوهش توصیفی و تحلیلی که در گردآوری منابع آن از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است، موضع نظام حقوقی ایران بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی حقوق عمومی، دولت، ضمانت اجرا، اعمال حاکمیتی.

۱. دانشجوی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، ایران، h.taghizade1363@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، ایران، (نویسنده مسئول)،

chahkandi@iaubir.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران، h.hashemi9878@gmail.com

مقدمه

در جامعه امروزی، اشخاص حقوقی در کنار اشخاص حقیقی جایگاهی ویژه دارند و نیازهای جوامع مختلف را برطرف می‌کنند. این امر در کنار فوایدی که دارد، مشکلاتی نیز ایجاد کرده است. در این راستا، افراد مختلفی در قالب اداره شخص حقوقی یا در راستای منافع آن مرتکب اعمالی می‌شوند که حقوق افراد جامعه را تضییع می‌کند. همین امر موجب ایجاد مسئولیت اعم از مدنی و کیفری برای این اشخاص می‌گردد.

برخلاف مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی که از دیرباز با نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف مانوس بوده، مسئولیت کیفری این اشخاص، موضوعی جدید و مناقشه‌آمیز است. در نظام‌های حقوقی مختلف در مورد این که آیا اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری دارند، پاسخ‌های مختلفی ارائه گردیده است. در فرانسه، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از سال ۱۹۹۲ وارد حقوق جزایی گردید، ولی این مسئولیت از ابتدا به طور مطلق پذیرفته نشده بود، بلکه به تدریج وارد قوانین جزایی گردید و در طول زمان دچار تغییراتی گردید. در نهایت، در سال ۲۰۰۴ به طور عام در فرانسه پذیرفته شد.^۱ نظام کیفری ایران تا سال ۱۳۹۲ به طور کلی به جرم‌انگاری اعمال ارتكابی توسط اشخاص حقوقی نپرداخته بود، ولی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۳، اعمال ارتكابی توسط شخص حقوقی را جرم‌انگاری کرد. بر این مبنا، ضروری است حقوق کیفری با واقع‌گرایی، اشخاص حقوقی را به اعتبار شیوه مدیریت و فرهنگ سازمانی به جرگه تابعان خود وارد کند و در برابر جرایم ناشی از فعالیت به طور مستقیم، خود آن‌ها را مخاطب قرار دهد.^۲ چون در مورد پژوهش حاضر، تحقیقات گسترده انجام نگردیده است و منابع و رویه قضایی واحدی وجود ندارد، بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران اهمیت زیادی می‌یابد.

اصطلاح «دولت» در قوانین و مقررات و ادبیات حقوقی ایران در مفاهیم مختلف به کار رفته است، به نحوی که می‌توان گفت اشتراک لفظی دارد و بدین لحاظ تاکنون، تعریف قانونی از آن به عمل

۱. عبدی، مهدی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و فرانسه، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۲.

2. Arthur Robinson, A., **Corporate Culture as basis**, for The Criminal Liability of Corporation (Prepared for United Nation Special Representative of the Secretary-General on Human Rights and Business 2008, p. 21.

نیامده است. به طور کلی، این اصطلاح در سه مفهوم رواج پیدا کرده است. دولت گاهی به معنای مجموعه قوای حاکم و در واقع، معادل حکومت است. در برخی موارد، دولت به معنای کشور در نظر گرفته شده است. در قوانین و مقررات، دولت عمدتاً در مفهوم دقیق و مضیق آن به معنی قوه مجریه به کار رفته است.^۱ در ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به صورت پراکنده در بعضی از قوانین، ضمانت اجرایی برای اعمال متخلفانه اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده بود، ولی مسئولیت کیفری جرایم اشخاص حقوقی به صورت نظام‌مند و جامع به رسمیت شناخته نشده بود. با تصویب قانون مجازات جدید، قانون‌گذار، مسئولیت کیفری جرایم اشخاص حقوقی را در مورد جرایمی پذیرفت که با توجه به قوانین ایران قابلیت ارتکاب توسط اشخاص حقوقی را داشتند. در این قانون هم مانند قوانین دیگر کشورها در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است.

مؤسسات عمومی به سازمان‌هایی اطلاق می‌شوند که دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و به قائم مقامی دولت یا مردم یک محل، اداره یک یا چندین خدمت معین و محدود از خدمات و نیازمندی‌های عمومی را عهده دارند. این مؤسسات در زمره اشخاص حقوقی حقوق عمومی قرار دارند. با این‌که در قوانین ایران از مؤسسه عمومی تعریفی نشده است، ولی می‌توان نهادها و مؤسساتی را در قوانین مختلف یافت که در زمره مؤسسات عمومی به شمار می‌آیند. مؤسسه دولتی، شرکت دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی از جمله این مؤسسات محسوب می‌شوند.^۲ در خصوص پیشینه تحقیق باید دانست شریفی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی را با عنوان «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران» انجام داده‌اند. ایشان در این پژوهش می‌نویسند: «دلایلی از قبیل عدم امکان تحمیل برخی از مجازات‌ها، نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها، عدم نیل به اهداف مجازات‌ها، اصل اختصاصیت، موانع راجع به آیین دادرسی و از همه مهم‌تر، عدم امکان اسناد تقصیر در نفی و براهینی چون واقعیت قضایی و جرم‌شناسی، دشواری کشف مقصر حقیقی، مذاقه هر چه بیش‌تر اعضا و سهام‌داران در انتخاب مدیران،

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، «پیرامون یک رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و شخصیت حقوقی دولت»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۵، ۱۳۶۹، ص ۱۵.

۲. انصاری، ولی‌الله، کلیات حقوق اداری، تهران: میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

کاستن از مجازات‌های سالب آزادی و یا صدمه بدنی بر مدیران و کارکنان و دست آخر، جبران زیان‌های وارد شده بر بزه‌دیدگان به نحوی مطلوب در اثبات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ابراز شده‌اند. تأثیر دیدگاه مخالفان بر نظام‌های حقوقی چندان بود که تا قرن بیستم، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص موصوف را به عنوان یک اصل در بوته تردید قرار داده بود. اما از نیمه قرن مزبور و در پی گسترش دامنه فعالیت اشخاص حقوقی به ویژه شرکت‌ها و ظهور جرایم علیه محیط زیست، جرایم سازمان‌یافته، خاصه فراملی، جرایم در حوزه حمل و نقل و به طور کلی، صنعت، کشورهای پیشگامی چون کانادا، انگلستان، آمریکا، هلند و نیز شورای اروپا را بر آن داشت تا ورای مضیقه‌های حاکم بر حقوق جزا با اتکا به نظریاتی چون مسئولیت نیابتی، شخصیت ثانویه، مسئولیت کارفرما و مافوق و تقصیر جمعی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر پذیرفته و قاعده‌مند سازند. النهایه، جنبش پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظام کیفری ایران را نیز به خود ملحق ساخت. چندان که در گام نخست به طور خاص در حوزه جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۹۲ و در گام دوم، با تصویب قانون مجازات اسلامی به طور عام و نسبت به کلیه جرایم تعزیری، این مسئولیت مورد اقبال واقع شد. این پژوهش در دگرگونی‌های حقوق ایران در این زمینه به ویژه لایحه موصوف تأمل کرده است.

حسینی (۱۳۹۲)، پژوهشی را با موضوع «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی» اختصاص داده‌اند که تمامی محتوا با توجه به قوانین و دکترین آن زمان ارائه شده است و اشاره‌ای به مسئولیت اشخاص حقوقی در حقوق داخلی هم نشده و در مورد مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت نیز تنها مطالب اندکی در آن پایان‌نامه آمده است. وی، رساله دکتری خود را هم با عنوان «مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قتل و صدمات بدنی در حقوق ایران و استرالیا» در سال ۱۳۸۹ در همان دانشکده نگاشته است. همان طور که از عنوان رساله مشخص است، در آن، تنها در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرایم یادشده سخن به میان آمده است. ضمن این‌که در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی از جنبه داخلی، تنها سطور محدودی در مورد جرایم قتل و صدمات بدنی بحث شده است.

سیفی (۱۳۹۲) هم در پژوهش «ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، چالش‌های موجود میان اشخاص حقیقی و حقوقی و مسئولیت کیفری آنان را بررسی کرده است.

موضوع اصلی این پژوهش، بررسی ضمانت اجرای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتاب‌خانه‌ای (مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات، طرح‌های پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی) است. پس از این گردآوری، اطلاعات با رویکرد مقایسه‌ای و تحلیلی بررسی گردیده است.

گفتار اول. تحولات تاریخی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران

بند اول. رویکرد قانون‌گذار تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مسئله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون‌گذاری ایران بی‌سابقه نبوده و قانون‌گذار در مواردی بدون این‌که این مسئولیت را به رسمیت بشناسد، تنها به ضمانت اجرای کیفری در مورد این اشخاص اشاره کرده است. تا جایی که در سال ۱۳۸۸، قانون‌گذار در ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای، در جایی که اشخاص حقیقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی، جرم رایانه‌ای مرتکب شوند، به طور مستقیم، اشخاص حقوقی را دارای مسئولیت کیفری در خصوص جرایم رایانه‌ای موضوع این قانون دانسته است.^۱ از جمله مواردی که قانون‌گذار در صورت ارتکاب جرم، مسئولیت را متوجه اشخاص حقیقی کرده است، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱. ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۴۶: این قانون در مواد مختلف از اشخاص حقوقی و مسئولیت‌های آن‌ها صحبت به میان آورده است و در ماده ۲۰۱ اعلام می‌دارد: «هرگاه موردی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است، استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و سود و زیان خودداری کند، علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد».

۱. خدري، خليل، مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی در قوانین ایران، تهران: صالحیان، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۴۹.

۲. ماده ۲۸ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸: هر گاه متخلف از این قانون، شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی، شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او می باشد، خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می شود.

۳. ماده ۸ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی، مصوب ۱۳۵۲: هر گاه متخلف از این قانون، شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. قانون گذار در این ماده، خسارات شاکی خصوصی را بر عهده شخص حقوقی بار کرده است.

۴. ماده ۹ قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران فروشان، مصوب ۱۳۵۳: در کلیه موارد مذکور در این قانون، هر گاه مرتکب، شخص حقوقی باشد، مسئول، مدیر عامل و یا کسانی هستند که تصدی امور شخص حقوقی را به عهده دارند و در مورد شخص حقیقی، حسب مورد، مسئول، صاحب پروانه یا مباشر عمل است.

۵. ماده ۱۰۹ قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۴: در صورتی که کارفرما، شخص حقوقی باشد، مسئولیت های جزایی مقرر در این قانون، متوجه مدیر عامل شرکت و یا هر شخص دیگری خواهد بود که در اثر فعل یا ترک فعل او موجبات ضرر و زیان سازمان یا بیمه شدگان فراهم شده است.

۶. ماده ۱۰ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب، مصوب ۱۳۵۸: هر شخص حقیقی یا حقوقی از طریق فعل و انفعالات مالی یا تجاری و یا هرگونه عمل اقتصادی یا سیاسی موجب تعطیل تمام یا بخشی از تولیدات صنعتی یا کشاورزی یا کمیابی مواد اساسی و ضروری زندگی مردم گردد یا وسیله انتقال غیر مجاز ثروت (به میزانی که به آن اطلاق ثروت بشود)، به خارج از کشور بشود و یا این که سبب ضربه زدن به مصالح مالی و اقتصادی جمهوری اسلامی تشخیص گردد، مجرم علیه استقلال اقتصادی کشور محسوب، مرتکب و در مورد اشخاص حقوقی، مدیر یا مدیران بر حسب درجات جرم به کیفر جنایی درجه یک و یا حبس ابد محکوم می شوند.

۷. ماده ۷۳ و ۷۶ قانون نظام صنفی، مصوب ۱۳۵۹: در ماده ۷۳ این قانون، هر شخص حقیقی که کالاها یا مصنوعات یا فرآورده های خود را گران تر بفروشد یا دستمزد خدمات را زاید بر میزان مقرر

دریافت کند یا به صورت صوری و متقلبانه معامله را انجام داده و وجه بیش‌تری دریافت کند، به شش ماه تا یک سال حبس یا جریمه نقدی از ده هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم می‌شود. ماده ۷۶ این قانون، مسئولیت مدنی را متوجه شخص حقوقی خوانده و کیفر را در مورد مدیر عامل یا مدیر مسئول شخص حقوقی قابل اجرا دانسته است.

۸. ماده ۲ لایحه قانون رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور، مصوب ۱۳۵۹: مطابق این ماده، هرگاه استفاده یا دخالت به نفع اشخاص حقوقی باشد، مجازات مقرر در ماده ۱ درباره مدیر مسئول شخص حقوقی اعمال خواهد شد، مگر آن‌که مشارک‌الیه اثبات نماید که دستوردهنده، شخص دیگری بوده که در این صورت، مجازات مقرر درباره دستوردهنده اجرا خواهد شد.

۹. ماده ۱۸۴ قانون کار، مصوب ۱۳۶۹: در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی می‌باشد، اجرت‌المثل کار انجام‌شده و طلب خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود، ولی مسئولیت جزایی اعم از حبس، جریمه نقدی یا هر دو متوجه مدیر عامل یا مدیر شخص حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و کیفر درباره مسئولین مذکور اجرا خواهد شد.

۱۰. تبصره ۲ ماده ۲ قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹: در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آن‌ها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت یا شراکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند، بر حسب این‌که اقدام آن‌ها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به طور کلی، مسئول با مسئولین ذی‌ربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلفند در زمینه جلوگیری از آن با آگاه ساختن افراد با مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثر انجام دهند.

۱۱. ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵: این ماده که در زیر فصل نهم قانون مجازات اسلامی آمده و مربوط به تخریب اموال تاریخی و فرهنگی است، مربوط به ارتکاب این جرم از سوی اشخاص حقوقی است. در مورد این جرایم، در این فصل که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود، هر یکی از مدیران و مسئولان که دستوردهنده باشند، بر حسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند.

۱۲. ماده ۱۹ قانون چک، مصوب ۱۳۸۲: مطابق این ماده، در صورتی که چک به وکالت یا به نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می شود. مسئولیت کیفری طبق مقررات این قانون به عهده امضاکننده است، مگر این که ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت، کسی که موجب عدم پرداخت شده، از نظر کیفری، مسئول است. در این ماده، مقنن، شخص حقوقی را از لحاظ پرداخت وجه چک در عرض شخص حقیقی که وکیل یا نماینده اوست، ضامن دانسته است.

بند دوم. رویکرد قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

همان طور که در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است، اشخاص حقوقی حقوق عمومی در موارد اعمال حاکمیت، مسئولیت کیفری ندارند. مفهوم مخالف آن مقرر این است که اگر این اشخاص در اعمال تصدی‌گری مرتکب جرمی شوند، مسئولیت دارند و مستفاد از این ماده ظاهراً در صورت ارتکاب جرم، مقام قضایی می‌تواند آن‌ها را به یکی از مجازات‌های ماده ۲۰ همان قانون محکوم کند. مجازات‌های مقرر در این ماده جنبه تعزیری دارند و شدیدترین آن‌ها، انحلال و مصادره اموال شخص حقوقی است. اعمال این دو نوع مجازات اخیر برای اشخاص حقوقی در عمل ایجاد مشکل خواهد کرد و در نهایت، منجر به توقف در ارائه خدمات عمومی و اخلاص و بی‌نظمی خواهد شد.

به موجب آن چه از ماده ۲۰ استنباط می‌شود، اگر نهادی مانند وزارت خانه یا یک شرکت دولتی در راستای یک عمل تصدی‌گرایانه مرتکب جرمی شوند، با توجه به این تبصره در برخی شرایط می‌توان مجازات‌های انحلال و مصادره کل اموال را اعمال کرد، اما با توجه به فلسفه وجودی این نهادها و مبانی نظری، اعمال چنین مجازات‌هایی منطبق با موازین حقوقی و حاکمیتی نیست. بنابراین، قانون‌گذار در این خصوص باید با اصلاح قانون، امکان اعمال چنین مجازات‌هایی را حذف کند و در مقابل، برخی مجازات‌ها مانند ممنوعیت از فعالیت در آن حوزه، انتشار حکم، الزام به عذرخواهی و جبران خسارت به میزان چند برابر را اعمال کند یا این که از اساس، مجازاتی را اعمال نکند.^۱

۱. عبداللہی، افشین و جواد فرازمهر، «امکان اعمال ضمانت اجرای کیفری در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی»، پژوهش

حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۹۸، ص ۲۸۲

ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲، رسمی‌ترین متن قانونی در ایران در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در ایران برای تمام اشخاص حقوقی و برای تمام جرایم به رسمیت شناخته است. مطابق این ماده، در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. (مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست).

مواردی از قبیل قانون مبارزه با پول‌شویی و قانون جرایم رایانه‌ای نشان‌دهنده حرکت تدریجی قانون‌گذار ایران به سمت پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است.

گفتار دوم. دیدگاه‌های موجود در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی

با توجه به قدرت قاهره‌ای که دولت دارد، در خصوص شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که به بررسی و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم.

بند اول. مغایرت با جایگاه ویژه قدرت

دولت، عالی‌ترین سازمان یا تشکل قدرت است که حمایت از منافع فردی و جمعی را تضمین کرده است و مسئولیت تعقیب بزهکاران را نیز در اختیار دارد. دولت از امتیاز انحصاری مجازات بزهکاران برخوردار است و بر همین مبنا قادر به مجازات اشخاص بزهکار است، اما منطقی نیست که به مجازات خود اقدام کند و برای مثال، یک شرکت دولتی را به طور موقت یا دائم منحل کند. این استدلال گروه دیگری از مخالفان مسئولیت اشخاص حقوقی دولتی است. آن‌ها معتقدند مجازات دولت باعث کاهش قدرت سیاسی کشور می‌شود، حال آن‌که دولت می‌تواند کارکنان و مدیران بزهکار در مؤسسه دولتی یا عمومی را مجازات کند. افزون بر این‌که به این ترتیب، به وظیفه خود به نمایندگی از جامعه در تعقیب مجرمان عمل نمی‌کند؛ زیرا جامعه به دولت برای مجازات کردن خود نمایندگی نداده است. مطابق این دیدگاه، با لحاظ این‌که دولت، حافظ منافع عمومی است و وظیفه تعقیب و مجازات بزهکاران را بر عهده دارد، از مسئولیت کیفری مستثناست و نمی‌تواند خود

را کیفر کند.^۱ معقول و پذیرفتنی نیست که دادرس دادگاه که عضوی از اعضای حاکمیت دولت و مستخدم دولت است، دولت را بازخواست کند.^۲

مهم‌ترین استدلال‌های مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی، نقض گسترده اصل شخصی بودن مسئولیت، مغایرت با جایگاه ویژه قدرت عمومی و تحقق نیافتن اهداف مجازات‌هاست. از این رو، در کشورهایی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوق عمومی را پذیرفته‌اند، مشاهده می‌شود که دامنه آن به اشخاص حقوقی حقوق خصوصی محدود مانده است.^۳

بند دوم. تفصیل بین امور حاکمیتی و تصدی‌گری

سازمان‌های عمومی نیز به وسیله انسان‌ها اداره می‌شود، اما چون منافع اقداماتشان به طور مستقیم به خودشان نمی‌رسد، هنگام اجرای وظیفه باید تنها نفع عموم و اجرای درست قوانین را در نظر بگیرند و برای رسیدن به این هدف نیز از حق حاکمیت و اقتدار مخصوص به حکومت برخوردارند. بنابراین، منطقی است که قواعد حاکم بر روابط این گونه اشخاص با مقررات مربوط به دیگر اشخاص حقوقی از هم متمایز و مستقل باشد، ولی هنگامی که اشخاص حقوق عمومی به کارهای خصوصی می‌پردازند و هدفشان اعمال حاکمیت نیست، روابطشان با مردم تابع قواعد حقوق خصوصی است و قواعد استثنایی حقوق عمومی، مبنای واقعی کاربرد خود را از دست می‌دهند.^۴

گفتار سوم. دیدگاه قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

بند اول. مسئولیت کیفری در فرض اعمال تصدی و حاکمیتی

قانون‌گذار در قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ که به قانون مجازات اسلامی ملحق شده، به عنوان اولین قانونی که به صورت صریح و نظام‌مند، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته

۱. حسین جانی، بهمن، «اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰

2. Gaston Stefani, Georges Levasseur et Bernard Bouloc; Précis de Droit Pénal Général, Paris: Dalloz, 20 ed, 2008, p. 277.

3. Bruce Coleman, "Is Corporate Criminal Liability Really Necessary?", Southwestern Law Journal, 29, 1976, p. 919.

۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶

است، بین اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی قائل به تفکیک نشده بود. پس با استناد به عمومات و اطلاقات این قانون، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی را نیز شامل می‌شد و در صورت ارتکاب جرم رایانه‌ای، واجد مسئولیت کیفری و قابل مجازات می‌دانست. قانون‌گذار در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اعمال مجازات‌های کیفری را در مورد اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیر دولتی در موردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، منتفی دانست. متن اولیه تبصره یادشده در لایحه مصوب در جلسه ۱۳۸۸/۱۰/۲۹، تنها اشکالی که به موارد مندرج در مبحث مجازات‌های اشخاص حقوقی وارد کرد، این گونه بود: «در تبصره ماده ۲۰ از آن جا که اطلاق عبارت (اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیر دولتی) شامل اشخاص حقوقی می‌شود که تصدی‌گری می‌کنند، نه حاکمیتی، لذا مغایر جزء ۹ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد».^۱

ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در تعریف و بیان مصادیق امور حاکمیتی مقرر می‌دارد: «امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.» مصادیق این امور در ادامه ماده ذکر شده‌اند. ایراد وارد بر تعریف امور حاکمیتی و بیان مصادیق آن در این ماده آن است که این تعریف به حدی وسیع است که تمام امور عمومی کشور را در تمامی سطوح و قوای حکومتی دربرمی‌گیرد. بنابراین، امور حاکمیتی مطرح شده در ماده ۸ محدود به اعمال اداری نیستند و از طرفی، اعمال سیاسی و نااداری دیگر مراجع عمومی را دربرمی‌گیرند. از طرف دیگر، می‌توانند حتی به لحاظ ماهوی، مواردی را که توسط بخش خصوصی امکان تحقق دارند، مانند ترویج اخلاق و ارتقای بهداشت نیز دربرگیرند.^۲

بند دوم. معیارهای تشخیص عمل حاکمیت از تصدی

با بررسی مقررات می‌توان معیارهایی را برای تمییز عمل حاکمیتی از عمل تصدی ارائه کرد تا از اشتباه و تشتت آرا و تصمیم‌های قضایی در تعقیب کیفری شخص حقوقی تا حد امکان اجتناب

۱. محمدی، قاسم و علی‌رضا خانی‌زاده، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در عرصه داخلی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۸۹.

۲. واعظی، مجتبی، «معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران»، مطالعات حقوق عمومی شیراز، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱.

شود، مانند:

- (الف) تشخیص نوع مقررات مالی و محاسباتی و برخورداری از برخی معافیت‌ها در توقیف اموال که شامل نهادهایی می‌شود که عمل حاکمیتی انجام می‌دهند.
- (ب) قابلیت واگذاری عمل و فعالیت به بخش خصوصی و کوچک‌سازی.
- (ج) مستند به ذیل ماده ۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، «پست‌های ثابت صرفاً برای مشاغل حاکمیتی که جنبه استمرار دارد، ایجاد خواهد شد.
- (د) ارتباط عمل شخص حقوقی با اقتدار و نظم عمومی و حاکمیت کشور.
- (ه) داشتن نفع عمومی برای جامعه.
- (و) عام‌الشمول بودن دامنه انتفاع و فعالیت و عدم محدودیت در بهره‌مندی نسبت به دیگران یا به بیانی دیگر، خاص و انحصاری نبودن منفعت.
- (ز) استفاده از بودجه عمومی کشور و وابستگی به دولت به عنوان اوصاف اعمال حاکمیتی می‌تواند به عنوان معیار مورد توجه مقام قضایی قرار گیرد. هرچند مرجع خاصی مانند سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا نهاد دیگری می‌تواند به استعلامات قضایی در این خصوص پاسخ دهد، ولی وضع مقرر اصلاحی توسط قانون‌گذار و ارائه معیار تفکیک اعمال تصدی از اعمال حاکمیتی برای قضات با ذکر مصادیق تمثیلی است.^۱

بند سوم. نقدی بر مجازات‌های مقرر در خصوص اشخاص حقوقی عمومی

همان طور که در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است، اشخاص حقوقی حقوق عمومی در موارد اعمال حاکمیت، مسئولیت کیفری ندارند. مفهوم مخالف آن مقرر این است که اگر این اشخاص در اعمال تصدی‌گری مرتکب جرمی شوند، مسئولیت دارند و مستفاد از این ماده ظاهراً در صورت ارتکاب جرم، مقام قضایی می‌تواند آن‌ها را به یکی از مجازات‌های ماده ۲۰ همان قانون محکوم کند. مجازات‌های مقرر در این ماده جنبه تعزیری دارند و شدیدترین آن‌ها، انحلال و مصادره اموال شخص حقوقی است. اعمال این دو نوع مجازات اخیر برای اشخاص

۱. ضیایی چاه‌گاهی، سید یاسر و همکاران، «افتراقی شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی؛ مبانی، ضرورت و ضوابط»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و ششم، شماره ۱۱۹، ۱۴۰۱، ص ۳۲۶.

حقوقی حقوق عمومی در عمل ایجاد مشکل خواهد کرد و در نهایت، منجر به توقف در ارائه خدمات عمومی و اخلال و بی‌نظمی خواهد شد. به موجب آن چه از ماده ۲۰ استنباط می‌شود، اگر نهادی مانند وزارت خانه یا یک شرکت دولتی در راستای یک عمل تصدی گرایانه مرتکب جرمی شوند، با توجه به این تبصره در برخی شرایط می‌توان مجازات‌های انحلال و مصادره کل اموال را اعمال کرد، اما با توجه به فلسفه وجودی این نهادها و مبانی نظری، اعمال چنین مجازات‌هایی منطبق با موازین حقوقی و حاکمیتی نیست. بنابراین، قانون‌گذار در این خصوص باید قانون را اصلاح و امکان اعمال چنین مجازات‌هایی را حذف کند. در مقابل، برخی مجازات‌ها مانند ممنوعیت از فعالیت در آن حوزه، انتشار حکم، الزام به عذرخواهی و جبران خسارت به میزان چند برابر را اعمال کند یا از اساس، مجازاتی را اعمال نکند.

ابهام دیگر در خصوص نهادهای شبه دولتی یا همان نهادهای زیر نظر مقام رهبری است. در خصوص نهادهای زیرمجموعه مؤسسات نظامی، چون وظایف یا اموری که به این نهادها سپرده شده‌اند، جنبه اقتصادی دارند و چنین اموری از موارد اعمال حاکمیتی نیستند و واگذارکردنی به بخش خصوصی هستند، اعمال مجازات با توجه به تبصره ماده ۲۰ قانون یادشده منعی ندارد. در این مورد، نهادهای غیر نظامی هم چون این نهادها خدمات عمومی ارائه می‌دهند. پس مقام قضایی باید با توجه به مبنای تشکیل آن‌ها، تا تعیین تکلیف قانون، در موارد اعمال حاکمیتی از مجازات آن‌ها خودداری کند. در مورد خود نهادهای نظامی هم بدیهی است که جزء ارکان سه قوه نیستند. از این رو، در ظاهر امر مشمول معافیت تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات نیستند، اما چون این نهادها در بسیاری از موارد، وظایف حاکمیتی و خدمات عمومی را بر عهده دارند، مجازات آن‌ها به ویژه از نوع انحلال و مصادره اموال با مبانی نظری پیش‌گفته از جمله اصل تداوم خدمات عمومی و حفظ نظم در تعارض خواهد بود.^۱

قانون‌گذار ایرانی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت اجراهای مختلفی را در مورد جرایم اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. چون دولت، مهم‌ترین مخرب

۱. عبداللہی و فرازمهر، پیشین، ص ۲۸۲

و آلوده‌کننده زیست‌محیطی است و برای کسب سود و منافع اقتصادی، حق برخورداری از محیط زیست سالم را نقض می‌کند، ضروری است تا دولت را به عنوان برجسته‌ترین شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری بدانیم. این در حالی است که قانون‌گذار در ماده ۲۰ این قانون، با وجود شدت جرم و نتایج زیان‌بار غیر قابل جبران آن، از پرداختن به مسئولیت کیفری دولت به عنوان شخص حقوقی بزه‌کار چشم‌پوشی کرده است. امروزه با زیر سؤال رفتن زیرساخت مشروعیت دولت و به رسمیت شناخته شدن آرای ملت به عنوان نه تنها عامل مشروعیت دولت‌ها، خواه ناخواه، مسئول اعمال مستقیم و غیر مستقیم خود هستند.^۱

گفتار چهارم. انواع ضمانت اجراها در خصوص اشخاص حقوقی حقوق عمومی

بند اول. جزای نقدی

جریمه یا جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد به حساب دولت به عنوان مجازات و ماهیت آن با وجهی که محکوم به عنوان ضرر و زیان به زیان دیده از جرم می‌پردازد، متفاوت است.^۲ جریمه کیفری یا جزای نقدی با جریمه مالیاتی و مدنی نیز متفاوت است. جریمه مالیاتی، ضمانت اجرایی است که بر اثر رعایت نشدن قوانین مالیاتی به شخص تحمیل می‌شود، مانند تقلب مالیاتی. این نوع جریمه با جزای نقدی یا جریمه کیفری مشابهت بیش‌تری دارد.^۳ جزای نقدی یک مجازات مالی است؛ زیرا به طور مستقیم بر اموال محکوم علیه تحمیل می‌شود و موجب کاهش سرمایه شخص می‌گردد. جزای نقدی، نزدیک‌ترین معنی است که افراد از ضمانت اجرای مالی به ذهنشان می‌رسد و در واقع، از مهم‌ترین نوع ضمانت اجراهای مالی هم برای اشخاص حقیقی و هم حقوقی به شمار می‌رود.

جزای نقدی از جمله جرایم اصلی برای اشخاص حقوقی است. زمانی که ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی از جرایم اشخاص حقوقی بحث می‌کند، از میزان جزای نقدی نسبت به اشخاص حقوقی

۱. موسی‌زاده، ابراهیم، حقوق اداری، تهران: دادگستر، ۱۳۹۸، ص ۶۹.

۲. گلدوزیان (۱۳۹۴)، پیشین، ص ۶۱.

3. Levasseur (Georges), Chavanne (Albert), Montruil (Jean), Cour Élémentaire de Droit pénal et procédure pénale, 11 ed, Sirey, Paris, 1994, p. 286.

صحبتی به میان نمی‌آورد. در ماده ۲۱ نیز چنین بیان می‌دارد که میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قوانین برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود که تعیین آن در اختیار قاضی است تا از دو برابر تا چهار برابر جزای نقدی نسبت به اشخاص حقیقی اعمال کند.

مشاهده می‌شود که در قانون مجازات اسلامی برای مجازات جریمه نقدی اشخاص حقوقی، حداقل و حداکثری تعیین کرده است که حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که برای ارتکاب همان جرم به وسیله شخص حقیقی تعیین شده است. در فرانسه، این مجازات دارای حداقل نیست و طبق ماده ۳۸-۱۳۱ آن را پنج برابر برای اشخاص حقوقی تعیین می‌کند. در ماده ۱۳۲-۲۰، دست قاضی را برای اعمال کیفیات مخففه باز گذاشته است و با این که این مجازات حداقل ندارد، هیچ منعی برای تخفیف جزای نقدی وجود ندارد. مطابق ماده ۲۰-۱۳۲ قانون جزای فرانسه: «هنگامی که مجازات جرمی، جزای نقدی است، دادگاه می‌تواند به جزای نقدی به مبلغی کمتر از میزان مقرر در قانون حکم دهد».

در قانون مجازات اسلامی ایران، شخص حقوقی به رسمیت شناخته شده است و به نظر می‌رسد همه قواعد و نهادهای قانونی از جمله تعلیق اجرای مجازات برای اشخاص حقوقی اعمال می‌شود. مقررات خاصی در این زمینه برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته نشده است و مشمول قواعد عامند. با این حال، در فرانسه در مورد تعلیق اجرای مجازات جریمه نقدی اشخاص حقوقی به صراحت بحث شده است. در فرانسه، اشخاص حقوقی فقط از تعلیق ساده می‌توانند استفاده کنند و تعلیق مراقبتی و دیگر روش‌های شخصی کردن مجازات شامل آن‌ها نمی‌شود. شرایط استفاده از تعلیق ساده را ماده ۳۰-۱۳۱ قانون جزای فرانسه به این شرح مقرر داشته است:

الف) در قلمر امور جنایی و جنحه‌ای:

۱. نداشتن سابقه کیفری ظرف مدت پنج سال گذشته.
۲. ارتکاب نیافتن جرم جدید در مدت پنج سال از تاریخ تعلیق اجرا مجازات به لحاظ ارتکاب جنحه و جنایاتی که مجازات آن حداکثر ۶۰۰۰۰ یورو جریمه نقدی است. دوره آزمایشی این نوع تعلیق پنج سال است که پس از انقضای این مدت، آثار محکومیت زایل می‌شود. برعکس، اگر ظرف مدت پنج

سال، شخص حقوقی مرتکب جنحه یا جنایت عادی شود و محکومیت حاصل کند، تعلیق مجازات الغا و به مرحله اجرا گذارده می‌شود.^۱

بند دوم. مصادره اموال

«مصادره» در لغت به معنی مطالبه مال است. در اصطلاح زبان فارسی، مطالبه و گرفتن مال به وسیله دولت از غیر طرق قانونی یا طرق متعارف را گویند، مانند مصادره اموال فلان و بهمان.^۲ با توجه به احکام مختلف قانونی می‌توان مصادره اموال را ناظر به دریافت اموال حاصل از جرم دانست که خود بر دو نوع است:

۱. **مصادره عام:** و آن مصادره‌ای است که تمامی اموال حاصل در هر صورت، له دولت از محکوم اخذ می‌گردد، مانند ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی، کتاب تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵.

۲. **مصادره خاص:** مصادره‌ای است که بنا به دلایلی فقط بخشی از اموال محکوم علیه که ناشی از جرم بوده، به نفع دولت اخذ می‌گردد، مانند بند ۴ ماده ۴ قانون مجازات مواد مخدر سال ۱۳۷۲ که بیان می‌دارد: «بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. در هر صورت و بنا به دلیل هزینه متعارف زندگی، تمام اموال حاصل از جرم مصادره نخواهد شد».

اصل ۴۹ قانون اساسی ایران نیز در همین راستا مقرر می‌دارد: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

قانون جدید مجازات اسلامی، هنگامی که در ماده ۲۰، مجازات‌های اشخاص حقوقی را برمی‌شمارد، در بند ۱ به مصادره کل اموال اشاره می‌کند که با توجه به تعاریف از مصادره عام و خاص می‌توان گفت

۱. ماده ۳۵-۱۳۱ و بند ۲ ماده ۳۶-۱۳۱.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ سی و هفتم، ۱۳۹۹، واژه شماره ۵۲۳۰.

منظور قانون‌گذار از مصادره کل اموال، مصادره عام باشد. این ماده در مورد مصادره خاص، حرفی به میان نیاورده است، ولی می‌توان گفت چون در ماده ۲۲ این قانون، برای مصادره کل اموال، حالت خاص و محدودی را بیان داشته و آن در صورتی است که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد، در مورد مصادره خاص نیز باید طبق قواعد عمومی عمل کرد که اموال حاصل از جرم یا به‌کاررفته در جرم مصادره شود. در مجازات‌های تکمیلی و تبعی در بند «ر» از ماده ۲۳ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز بر توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم به این امر تصریح دارد. گفتنی است مجازات‌های تبعی و تکمیلی درباره اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست و مطابق ماده ۲۱۵ در مورد اشخاص حقوقی باید عمل می‌شود. در مورد مصادره خاص ظاهراً منظور قانون‌گذار این است که باید به قواعد عمومی مراجعه کرد و در مصادره خاص که در آن، کل اموال مصادره نمی‌شود، فقط همان اموال که در ارتکاب جرم دخیل بودند، مصادره می‌شوند.

ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، هنگامی که مجازات‌ها را درجه‌بندی می‌کند، در تبصره ۵ این ماده در مورد مصادره خاص چنین بیان می‌دارد: «ضبط اشیا و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن، به‌کارگیری در ارتکاب جرم بوده است، از شمول این ماده و بند ب ماده ۲۰ خارج و در مورد آن‌ها برابر ماده ۲۱۵ این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود، باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود».

ملاحظه می‌شود که این ماده، بند ب ماده ۲۰ را از این بحث جدا کرد. پس مصادره خاص در مورد اشخاص حقوقی در هر صورت می‌تواند انجام شود، حتی در مواردی که مشمول ماده ۲۲ نباشد. پس اگر فعالیت شخص حقوقی مطابق ماده ۲۲ برای ارتکاب جرم نباشد یا برای ارتکاب جرم هم تغییر موضع نداده باشد، باز هم می‌توان او را به مصادره خاص محکوم کرد.^۱ در گذشته در مورد امکان ناپذیری انحلال و مصادره اموال اشخاص حقوقی حقوق عمومی این بحث مطرح بود که این دو نوع مجازات برای اشخاص حقوقی حقوق عمومی صلاح نیست؛ چون باعث بزه‌دیدگی مجدد مردم می‌شود. هم‌چنین این فرض را نمی‌توان تصور کرد که اشخاص حقوقی حقوق عمومی برای

۱. آدابی، میرزاعلی، «ضبط و مصادره اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور»، کارآگاه، شماره ۱۸، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱.

ارتکاب جرم به وجود آمده^۱ یا منحصرأً فعالیت خودشان را تغییر داده باشند، تا بتوان شخص حقوقی حقوق عمومی را منحل یا کل اموالش را مصادره کرد. پس می توان گفت در حقوق ایران، مصادره کل اموال یا همان مصادره عام به راحتی اجرا نمی شود و باید شرایط مذکور در ماده ۲۲ در ارتکاب جرم احراز شود، اما مصادره بخشی از اموال (مصادره خاص) می تواند راحت تر در مورد اشخاص حقوقی انجام شود و گاهی یک مجازات تبعی و تکمیلی است.

نظام مصادره خاص به اشیایی تعلق می گیرد که موضوع جرم هستند، مانند اسناد و اشیای جعلی و متقلبانه، سلاح غیر مجاز یا به اشیای حاصل شده از جرم، مانند سکه تقلبی یا اشیایی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته یا هنگام ارتکاب استفاده شده است، مانند سلاح و خودرو در سرقت. پس بر اشیای فاقد مالکیت که قابل استفاده مجدد نیستند، مانند مواد مخدر تعلق نمی گیرد. با این حال، دیگر ابزارها و دستگاه ها و اموالی که به نحوی در قاچاق مواد مخدر از آن ها استفاده شده باشد، مصادره می شوند. شیء مصادره شده به مالکیت دولت درمی آید و جزء ارقام منفی دارایی شرکت و زیان های وی احتساب می شود، ولی در تقلیل مالیات های شرکت یا شخص حقوقی تأثیری نخواهد داشت. پس این مجازات برای اشخاص حقوقی دارای آثار مضاعف است؛ زیرا از طرفی موجب زیان مادی آن می شود و از سوی دیگر، در محاسبه مالیات شرکت جزء ارقام منفی به حساب نمی آید.^۲

بند سوم. محکومیت به پرداخت دیه

بحث در مورد امکان اجرای مجازات درباره شخص حقوقی بسیار زیاد است و نظریه های گوناگونی ارائه شده است. با توجه به گسترش روزافزون شمار اشخاص حقوقی و نفوذ آن ها در بیش تر جنبه های زندگی جوامع، هر چند وقت یک بار، واقعیت های دیگری از مسائل مرتبط با این اشخاص مورد پذیرش قانون گذاران قرار می گیرد. یکی از مسائل حاد و پرکاربرد در حقوق امروزی ایران، بحث دیات و امکان داشتن یا نداشتن محکومیت اشخاص حقوقی، چه اشخاص حقوقی عمومی و چه اشخاص حقوقی خصوصی است که از نظر جنبه های اقتصادی و آثار آن و از نگاه عدالت اجتماعی و عدالت قضایی قابل توجه است.^۳

۱. شریفی، محسن، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و فرانسه»، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۵.

2. Bouzat, (Pierre), Pinatel, (Jean), op cit. p. 334

۳. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷، ص ۵۸.

حوادث و اتفاقاتی که منجر به مرگ یا نقص یا صدمه به اشخاص می‌گردد، یکی از مسائل زندگی اقتصادی اجتماعی جامعه ایران و دیگر جوامع در حال پیشرفت و صنعتی است. در حقوق ایران، این صدمات عموماً به وسیله دیه جبران می‌شود. در قوانین پیشین به ویژه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در مباحث مربوط به دیات عموماً بحث در مورد چگونگی جبران صدمات بدنی یا فوت مصدوم به وسیله شخص حقیقی بوده است و در مورد اشخاص حقوقی یا بحثی نشده بود یا بسیار کوتاه و نارسا اشاراتی شده بود.^۱

قانون‌گذار ایران در نوآوری خود درباره به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌هایی را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است. در ماده ۱۴ هنگامی که بحث از مجازات‌های اصلی است، در تبصره این ماده در قانون مجازات اسلامی در مورد دیه دست به نوآوری می‌زند.

«ماده ۱۴: مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف) حد؛ ب) قصاص؛ پ) دیه؛ ت) تعزیر. تبصره: چنان‌چه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود.»

در مورد ماهیت حقوقی دیه بحث فراوان است که دیه مجازات است یا جبران خسارت. قانون مجازات اسلامی در تعریف دیه می‌گوید: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایات عمدی و غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.»^۲ بحث در مورد این که دیه مجازات است یا غرامت، از مجال این پژوهش خارج است، ولی به صورت کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که دیه دارای ماهیت خاص خود است که به طور قطع نه می‌توان گفت مجازات و کیفر محض است که تمام صفات و قیود و شرایط آن را داشته باشد و نه غرامت و تاوان مدنی، بلکه نهاد حقوقی خاصی است؛ زیرا ماهیت قدر مشترک تمام نمونه‌های همگون است. در بسیاری از موارد نمی‌توان عنوان مجازات را به «دیه» اطلاق کرد و ماهیت مجازات را ندارد.^۳ هم‌چنین مسئولیت ناشی از الزام به

۱. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی: مسئولیت کیفری (جلد ۳)، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۶، ص ۷۰.

۲. ماده ۱۷ قانون جدید مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

۳. گلدوزیان (۱۳۹۴)، پیشین، ص ۸۸.

پرداخت دیه را اگر مجازات محض تلقی کنیم، طبق اصول بیمه و بیمه‌گری قاعداً قابل بیمه شدن نیست؛ زیرا مجازات را نمی‌توان بیمه کرد، در حالی که یکی از مهم‌ترین مسائلی که بیمه می‌شود و به طور روزمره پرداخت می‌شود، دیه است. به نظر می‌رسد این وضعیت هم دلیلی بر داشتن ماهیت خاص با غالب بودن جنبه خسارت و غرامت بودن دیه باشد. پس در عمل نیز باید این ماهیت را آن طور که هست، بپذیریم و عمل کنیم.

لحن ماده ۱۸۴ قانون کار به گونه‌ای است که با اندکی اغماض می‌توان گفت پرداخت دیه را در مواردی که تخلف مربوط به شخص حقوقی است، به عهده همان شخص گذاشته است، نه مدیران و مسئولانی که اشخاص حقیقی هستند؛ زیرا هیچ ذکری از دیه به عنوان کیفر نکرده و به طور کلی به خسارت اشاره داشته است، گویی مسئولیت کیفری در مورد تخلفات قانون کار را به حبس و جریمه منحصر کرده است. متن ماده چنین است: «در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد، اجرت‌المثل کار انجام‌شده و طلب و خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود، ولی مسئولیت جزایی اعم از حبس، جریمه نقدی و یا هر دو حالت متوجه مدیر عامل یا مدیرمسئول شخصیت حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و کیفر درباره مسئولین مذکور اجرا خواهد شد».

ملاک مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ در مورد مسئولیت دولت و کارفرمایان که بسیاری از کارفرمایان، اشخاص حقوقی هستند. از نظر بحث حاضر قابل توجه است. ماده ۱۱ چنین است: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمد یا در نتیجه، بی‌احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند، ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

ماده ۱۲ مقرر کرده است: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد

شده است، مگر این‌که محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده یا این‌که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون، مسئول شناخته شود، مراجعه نماید».

سرانجام یکی از بهترین قوانین به تصویب رسیده در زمینه بحث حاضر، قانون ضوابط پرداخت کمک و یا اعانه به افراد و مؤسسات غیر دولتی موضوع ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب سال ۱۳۷۸ است.^۱ ماده ۳ آن به صراحت مجوز محکومیت اشخاص حقوقی را صادر کرده و هر گونه شک و تردید را در این زمینه زدوده است: «دیات قتل نفس و نقص عضو و جرح که پرداخت آن به موجب احکام صادره از مراجع قضایی به عهده دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون محول می‌گردد، از نظر نحوه پرداخت و احتساب به هزینه قطعی، مشمول مقررات این قانون می‌باشد». قانون‌گذار، اجازه محکومیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی را داده، در حالی که اصل بر آزادی عمل و اقتدار آن‌ها در انجام اعمال حاکمیت است. پس به طریق اولی، دیگر اشخاص حقوقی را نیز می‌توان در مواردی که مسئولیت آن‌ها ثابت باشد، به پرداخت دیه محکوم کرد.

بند چهارم. انحلال

ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، برای انحلال شخص حقوقی، حالتی خاص در نظر گرفته است. گفتیم بعید است شخص حقوقی حقوق عمومی یا برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد یا به طور انحصاری از هدف مشروع نخستین خود به فعالیت مجرمانه صرف بپردازد. با این استدلال نمی‌توان حالتی را متصور شد که شخص حقوقی حقوق عمومی را منحل کنیم. قانون فرانسه به صراحت، اشخاص حقوقی حقوق عمومی و هم‌چنین احزاب و دسته‌های سیاسی و سندیکاها را از مجازات انحلال معاف کرده است، به طوری که در انتهای ماده ۱۳۱-۳۹ قانون جزای فرانسه بیان می‌دارد: «... مجازات‌های مشخص شده در شماره‌های ۱، انحلال و ۲، تحت مراقبت قضایی قرار دادن، به اشخاص حقوقی حقوق عمومی که می‌توانند از نظر کیفری، مسئول دانسته

۱. محمودی جانکی، فیروز، نظام کیفردهی: هدف‌ها و ضرورت‌ها (تازه‌های علوم جنایی: جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵.

شوند، اعمال نمی‌شوند. این مجازات‌ها به احزاب یا دسته‌های سیاسی و بر سندیکاها صنفی نیز اعمال نمی‌گردد. مجازات مشخص شده در شماره ۱ بر مؤسساتی که از اشخاص نمایندگی می‌کنند، اعمال نمی‌شود».

بند پنجم. اعلام در رسانه‌ها

در حقوق ایران، این مجازات، یکی از مجازات‌های تکمیلی و تبعی است که در بند «س» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. در ابتدای ماده ۲۳، کلمه «فرد» آمده و ظاهر امر این است که این مجازات برای اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست. در مورد جرایم اشخاص حقوقی چون مجازات شخص حقوقی، مانع از مجازات شخص حقیقی مرتکب نیست، پس شخص حقیقی مرتکب جرم را علاوه بر مجازات اصلی می‌توان به مجازات‌های تکمیلی و تبعی محکوم کرد و برای مجازاتش، حکم محکومیت را در رسانه اعلام کرد.

ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، حالت دیگری را نیز برای انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها پیش‌بینی کرده است که به نظر می‌رسد مجازات موضوع این ماده برای اشخاص حقوقی هم قابل اعمال باشد. ماده ۳۶: «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد و افساد فی الأرض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره. انتشار حکم محکومیت قطعی در جرایم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف) رشوا و ارتشا؛ ب) اختلاس؛ پ) اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛ ت) مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری؛ ث) تبانی در معاملات دولتی؛ ج) اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ ج) تعديات ماموران دولتی نسبت به دولت؛ ح) جرایم گمرکی؛ خ) قاچاق کالا و ارز؛ د) جرایم مالیاتی؛ ذ) پول‌شویی؛ را) اخلال در نظام اقتصادی کشور؛ ز) تصرفات غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی».

نتیجه‌گیری

نظام حقوقی ایران در خلال سال‌های طولانی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۸۸ هیچ‌گاه نسبت به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک دغدغه اصلی نگرینست و در مقام قاعده‌مندسازی آن برنیامد؛ جز آن‌که به صورت استثنایی، موردی و غیر روشمند نسبت به ارتکاب برخی جرایم از سوی برخی از اشخاص حقوقی تن به پذیرش آن داد. سرانجام با تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در ۱۳۸۵، اولین گام را برای شناسایی و قاعده‌مندسازی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرایم رایانه‌ای برداشت. سپس با تصویب قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت عام پذیرفته شد. بی‌تردید، پذیرش فراگیر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نشان از درک بالای قانون‌گذار نسبت به واقعیت قضایی و جرم‌شناسی این اشخاص دارد.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که از منظر نظام حقوقی ایران، مطلق اشخاص حقوقی حقوق خصوصی اعم از تجاری و غیر تجاری بر پایه اصل برابری در پیشگاه قانون مشمول مسئولیت کیفری‌اند، اما در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی باید میان دو وضعیت قائل به تفکیک شد. وقتی اشخاص حقوقی حقوق عمومی در مقام اعمال حاکمیت مرتکب جرمی شوند، بنا به ملاحظه‌هایی چون جلوگیری از کاهش اقتدار سیاسی، مختل نشدن وظیفه خدمت‌رسانی و داشتن امتیاز انحصاری مجازات بزهکاران، مصون از مسئولیت کیفری هستند. در حالتی که آن‌ها در چارچوب اعمال تصدی‌آعمالی که قابل تفویض به بخش خصوصی است، مرتکب جرم شوند، بنا به اصل تساوی اشخاص در برابر قانون، گریزی از مسئولیت نخواهند داشت. مشابه همین امر در مسئولیت مدنی دولت نیز وجود دارد.

هم‌چنین در حقوق ایران، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مسئولیتی نیابتی و غیر مستقیم است. چنین مسئولیتی نه از طریق تفحص و احراز تقصیر در فرهنگ، سازمان‌دهی و خط‌مشی اشخاص حقوقی، بلکه از مجرای خطای نماینده انسانی که به حساب آن‌ها مرتکب جرم می‌شوند، ایجاد می‌شود. ناگفته نماند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، محملی برای رهایی اشخاص حقیقی مقصر از تعقیب کیفری نیست و آن‌ها نیز به اعتبار برخورداری از اراده آزاد، مسئول هستند.

در این زمینه که اشخاص حقوقی اهلیت ارتکاب کدام یک از جرایم را دارند، نگرش نظام‌های حقوقی

در مقطع‌های زمانی مختلف متفاوت است. برای نمونه، قانون‌گذار فرانسه در گام نخست با تنظیم سیاهه‌ای از جرایم، اشخاص حقوقی را قادر به ارتکاب آن‌ها معرفی کرد، اما با گذر زمان و فاصله‌گیری از نظریه فرضی بودن ماهیت این اشخاص، آن‌ها را مانند اشخاص حقیقی، توانا بر ارتکاب عموم جرایم، جزء آن دسته تلقی کرد که مختص انسان است.

قانون‌گذار ایران نیز پیش از سال ۱۳۹۲ با تصویب مقرره‌های موردی و پراکنده، برخی جرایم را به اشخاص حقوقی نسبت داده بود، اما از زمان تصویب این قانون، همه جرایم به جز جرایم شرعی مستحق حد و قصاص توسط اشخاص حقوقی قابل ارتکاب دانسته شدند. با وجود اذعان به اهلیت اشخاص حقوقی در ارتکاب همه جرایمی که اشخاص حقیقی قادر به ارتکابند، نمی‌توان اعمال همه مجازات‌های اشخاص حقیقی بر اشخاص حقوقی را امکان‌پذیر دانست، هرچند ماهیت خاص اشخاص حقوقی، ضمانت اجراهای متناسب با آن‌ها را ایجاد می‌کند. نظام کیفری ایران با درک این واقعیت، ضمانت اجراهای بایسته‌ای چون جریمه، ممنوعیت از فعالیت شغلی و حرفه‌ای، ممنوعیت از افزایش سرمایه، ممنوعیت از صدور سندهای تجاری و انتشار حکم محکومیت را برای این منظور در نظر گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. انصاری، ولی‌الله، کلیات حقوق اداری، تهران: میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ سی و هفتم، ۱۳۹۹.
۳. خدری، خلیل، مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی در قوانین ایران، تهران: صالحیان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۴. روشنی، علی‌محمد، تحلیل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
۵. عبدی، مهدی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و فرانسه، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۶. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۲.
۷. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی: مسئولیت کیفری (جلد ۳)، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۶.
۸. محمودی جانکی، فیروز، نظام کیفردهی: هدف‌ها و ضرورت‌ها (تازه‌های علوم جنایی: جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۹. موسی‌زاده، ابراهیم، حقوق اداری، تهران: دادگستر، ۱۳۹۸.
۱۰. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷.

ب) مقاله

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، «پیرامون یک رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و شخصیت حقوقی دولت»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۵، ۱۳۶۹.
۲. آدابی، میرزاعلی، «ضبط و مصادره اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور»، کارآگاه، شماره ۱۸، ۱۳۹۱.
۳. امیدی، جلیل، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی؛ سابقه، دیدگاه‌ها و انعکاس در قوانین کشورهای اسلامی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، ۱۳۹۲.
۴. شریفی، محسن، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و فرانسه»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۵.

۵. ضیایی چاه‌گاهی، سید یاسر و همکاران، «افتراقی شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی؛ مبانی، ضرورت و ضوابط»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و ششم، شماره ۱۱۹، ۱۴۰۱.
۶. عبداللہی، افشین، «مسئولیت کیفری مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عہدہ دار ماموریت عمومی»، پژوهش‌نامہ حقوق کیفری، سال یازدہم، شمارہ ۲۲، ۱۳۹۹.
۷. عبداللہی، افشین و جواد فرازمہر، «امکان اعمال ضمانت اجراہای کیفری در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی»، پژوهش حقوق کیفری، سال ہفتم، شمارہ ۲۶، ۱۳۹۸.
۸. قنبری رباطی، ثریا و علی اکبر فلاح، «ماہیت شخصیت حقوقی در فقہ و حقوق اسلامی»، فصل نامہ علمی پژوهشی فقہ و مبانی حقوق اسلامی، سال ششم شمارہ ۱۹، ۱۳۹۳.
۹. محمدی، قاسم و علی رضا خانی‌زادہ، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در عرصہ داخلی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دورہ دوم، شمارہ ۲، ۱۳۹۲.
۱۰. واعظی، مجتبی، «معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران»، مطالعات حقوق عمومی شیراز، دورہ ہفتم، شمارہ ۲، ۱۳۹۴.

ج) پایان نامہ

۱. حسین جانی، بہمن، «اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسہ و آمریکا»، پایان نامہ کارشناسی ارشد، دانشگاه تہران، ۱۳۸۳.

2. Latin Source

1. Arthur Robinson, A., Corporate Culture as basis, for The Criminal Liability of Corporation (Prepared for United Nation Special Representative of the Secretary-General on Human Rights and Business 2008.
2. Gaston Stefani, Georges Levasseur et Bernard Bouloc; Précis de Droit Pénal Général, Paris: Dalloz, 20 ed, 2008.
3. Bruce Coleman, "Is Corporate Criminal Liability Really Necessary?", Southwestern Law Journal, 29, 1976.
4. Levasseur (Georges), Chavanne (Albert), Montruil (Jean), Cour Élémentaire de Droit pénal et procédure pénale, 11 ed, Sirey, Paris, 1994.

The effect of votes and criminal and administrative decisions on each other in Iran's legal system

Hamid TaghiZadeh¹

Ali ChahkandiNezhad²

Seyyed Hassan Hashemi³

Abstract

The ratio of crime and violation in Iran's legal system is defined in such a way that some actions are considered as examples of both crimes and violations. Based on the differential pattern of police and criminal proceedings in this legal system, assuming that an act is both a crime and a violation, the police authorities are responsible for dealing with the criminal aspect of the committed act and the criminal courts are responsible for dealing with the criminal aspect of that act. In such an assumption, the influence of criminal and police proceedings on each other is considered as one of the issues of Iran's legal system. The investigation carried out in this article showed that in the current laws and regulations, different approaches regarding the effect of criminal proceedings on the police have been foreseen. For example, in some cases, dealing with the criminal aspect of the committed act is considered as one of the reasons for resuming the criminal proceedings, and in some cases, dealing with the criminal aspect of the committed act temporarily stops the dealing with the disciplinary aspect of the committed act. Based on the obtained results, the multiplicity of legislative approaches regarding this issue is considered as one of the harms of Iran's judicial system, which can in some cases distort judicial and police justice by creating discrimination.

KeyWords: Criminal liability; public law legal entities; government; enforcement guarantee; sovereign acts

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran, h.taghizade1363@yahoo.com

2. Birjand, (Corresponding Author), chahkandi@iaubir.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran, h.hashemi9878@gmail.com